

احسان کریم پور - دکترای مدیریت آموزشی

مدیریت آموزشی؛ کلید طلایی هماهنگی نظام تعلیم و تربیت با نیازهای جامعه

آموزش به عنوان موتور محرک توسعه، نقشی چندبعدی ایفا می‌کند؛ از یک سو با افزایش سطح آگاهی، دانش تخصصی و مهارت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی، بهره‌وری اقتصادی را ارتقا می‌دهد و از سوی دیگر با تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.

به گزارش خبرنگاران گروه زندگی و سرگرمی خبرگزاری گزارش خبر، احسان کریم پور - دکترای مدیریت آموزشی در یادداشتی با عنوان "مدیریت آموزشی؛ کلید طلایی هماهنگی نظام تعلیم و تربیت با نیازهای جامعه" آورده است؛

جایگاه آموزش و مهارت‌های آموزشی در فرایند توسعه، جایگاهی بنیادین، راهبردی و تعیین‌کننده است. در حقیقت توسعه پایدار صرفاً محصول رشد اقتصادی یا پیشرفت‌های فناورانه نیست، بلکه نتیجه مستقیم ارتقای سرمایه انسانی، توانمندسازی فردی و اجتماعی و شکل‌گیری نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌هایی است که از مسیر آموزش هدفمند و باکیفیت به دست می‌آیند.

آموزش به عنوان موتور محرک توسعه، نقشی چندبعدی ایفا می‌کند؛ از یک سو با افزایش سطح آگاهی، دانش تخصصی و مهارت‌های حرفه‌ای نیروی انسانی، بهره‌وری اقتصادی را ارتقا می‌دهد و از سوی دیگر با تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.

در این میان، مهارت‌های آموزشی معلمان، مربیان و سیاست‌گذاران آموزشی اهمیتی دوچندان دارد، چراکه کیفیت آموزش نه صرفاً به محتوای درسی، بلکه به شیوه انتقال، روش‌های یاددهی و یادگیری، توانایی ایجاد انگیزه، شناخت تفاوت‌های فردی و پرورش مهارت‌های زندگی وابسته است.

در این میان مدیریت آموزشی نیز نقشی راهبردی و کلیدی ایفا می‌کند. مدیریت آموزشی به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام‌های آموزشی، نقشی تعیین‌کننده در فرآیند توسعه همه‌جانبه جوامع ایفا می‌کند. این نوع مدیریت با برنامه‌ریزی هدفمند، سازمان‌دهی منابع انسانی و مادی، هدایت صحیح فعالیت‌های آموزشی و ارزیابی مستمر عملکردها، زمینه ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری را فراهم می‌سازد.

در جوامع در حال توسعه، مدیریت آموزشی کارآمد می‌تواند پیوندی مؤثر میان سیاست‌های کلان توسعه و نظام تعلیم و تربیت ایجاد کند و از این طریق به تربیت نیروی انسانی متخصص، خلاق و مسئولیت‌پذیر منجر شود. همچنین مدیران آموزشی با درک تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناورانه، قادرند نظام‌های آموزشی را با نیازهای روز جامعه هماهنگ سازند و از رکود و ایستایی جلوگیری کنند.

مدیریت آموزشی نه تنها به بهبود عملکرد مدارس و دانشگاه‌ها کمک می‌کند، بلکه با ترویج فرهنگ مشارکت، عدالت آموزشی و استفاده بهینه از منابع، به کاهش نابرابری‌ها و افزایش سرمایه انسانی می‌انجامد. از این منظر، توسعه پایدار بدون توجه به جایگاه مدیریت آموزشی امکان‌پذیر نیست، زیرا آموزش اثربخش و باکیفیت نیازمند مدیریتی آگاه، منعطف و آینده‌نگر است که بتواند مسیر رشد فردی و اجتماعی را هموار سازد.

جوامعی که در مسیر توسعه گام‌های موفق‌تری برداشته‌اند، آموزش را از حالت حافظه‌محور و ایستا خارج کرده و به سمت آموزش مهارت‌محور، مسئله‌محور و متناسب با نیازهای واقعی جامعه و بازار کار سوق داده‌اند. مهارت‌های آموزشی نوین، از جمله توانایی استفاده از فناوری‌های نو، طراحی آموزشی خلاقانه، ارزیابی مستمر و کیفی، و پرورش یادگیری مادام‌العمر، نقش کلیدی در آماده‌سازی افراد برای مواجهه با تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند. علاوه بر این، آموزش اثربخش می‌تواند نابرابری‌های اجتماعی را کاهش دهد، فرصت‌های برابر ایجاد کند و با توانمندسازی اقشار مختلف، به عدالت اجتماعی و انسجام ملی کمک نماید.

توسعه بدون آموزش کارآمد، توسعه‌ای ناپایدار و شکننده خواهد بود، زیرا نبود مهارت‌های لازم در نیروی انسانی منجر به اتلاف منابع، کاهش نوآوری و وابستگی به عوامل بیرونی می‌شود. از سوی دیگر، آموزش زمانی می‌تواند نقش واقعی خود را در توسعه ایفا کند که پیوندی عمیق با فرهنگ، ارزش‌ها و نیازهای بومی جامعه داشته باشد و صرفاً تقلیدی از الگوهای وارداتی نباشد.

مهارت‌های آموزشی در چنین چارچوبی، معطوف به پرورش انسان‌هایی توانمند، خلاق، اخلاق‌مدار و مسئول هستند که نه تنها قادر به حل مسائل امروز، بلکه آماده مواجهه با چالش‌های آینده باشند. بنابراین می‌توان گفت آموزش و مهارت‌های آموزشی، زیربنای اصلی توسعه همه‌جانبه محسوب می‌شوند و سرمایه‌گذاری در این حوزه، در بلندمدت بیشترین بازده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برای جوامع به همراه خواهد داشت.